

مسئولیت محض فروشندگان کالاهای مستعمل با توجه به تحولات حقوق آمریکا

بیژن حاجی عزیزی*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان

رضا توکلی نهاد

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا همدان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۹ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲)

چکیده

مسئولیت محض، اهدافی مانند تخصیص بهینه منابع، توزیع ریسک، بازدارندگی و انتظارات مصرف‌کننده را دنبال می‌کند. در نگاه کلی این اهداف در بازار کالاهای مستعمل به دلیل اختلاف ساختاری که با بازار کالاهای نو دارند، محقق نمی‌شود. طبیعت بازار کالاهای مستعمل، مقتضی کالاهایی با قیمت و کیفیت پایین‌تر است. علاوه بر اینکه مسئولیت محض با طبیعت این بازار، تعارض دارد، موجب ارائه کالاهای ایمن‌تری نیز نخواهد شد. در نتیجه در رابطه فروشندگان کالای مستعمل و زیان‌دیده، مسئولیت مبتنی بر تقصیر منافع اجتماعی بیشتری را فراهم خواهد کرد، مگر اینکه عملکرد فروشنده، این انتظار را ایجاد کند که کالای مستعمل ریسکی بیشتر از کالای نو ندارد.

واژگان کلیدی

انتظارات مصرف‌کننده، بازدارندگی کالای مستعمل، تخصیص بهینه منابع، توزیع ریسک، مسئولیت محض.

۱. مقدمه

تولید انبوه کالاهای صنعتی، رابطه تولیدکننده و مصرف‌کننده را دچار تحولاتی کرده است. مصرف‌کننده ابزارها و مهارت‌های کافی برای بررسی صحت کالا را ندارد. در تولید یک محصول از چندین تخصص استفاده می‌شود. فرایندهای تولید اغلب فراتر از درک عموم مصرف‌کنندگان هستند یا حتی به‌عنوان اسرار ارزشمندی در دسترس دیگران قرار نمی‌گیرند.^۱ شرایط جدید، اثبات تقصیر تولیدکننده را بسیار دشوار ساخته است. علاوه بر این، پیچیدگی کالاهای صنعتی موجب شده که رعایت تمام جوانب احتیاط به معنی عدم وقوع حادثه و خسارت نباشد و خسارت زیان‌دیده با دفاع عدم تقصیر مواجه شود و بدون جبران بماند. ملاحظات گفته‌شده در کشورهای صنعتی سبب شد مسئولیت تولیدکننده بدون در نظر گرفتن عنصر تقصیر به‌صورت محض گسترش یابد. مسئولیت محض تولیدکننده تنها مبتنی بر رابطه سببیت است و خواهان کافی است اثبات کند کالا عیبی داشته که زیان از آن برخاسته است.^۲

مسئولیت محض کالاها در حقوق آمریکا گسترش چشمگیری داشته است، به‌نحوی که تقریباً کلیه ایالت‌های این کشور مسئولیت محض تولیدکننده را پذیرفته‌اند (Humes, 1991: 373). با اینکه بیش از ۵۰ سال از طرح موضوع مسئولیت محض کالاها در این کشور می‌گذرد و حقوق مسئولیت مدنی، چند دوره بازنویسی^۳ شده است، هنوز گسترش مسئولیت محض نسبت به فروشندگان کالاهای مستعمل مورد اختلاف است (Senagore, 2010: 350; Kyle, 2014: 3). در این زمینه، دیدگاه‌های مختلفی ابراز شده است. براساس یک رویکرد، مسئولیت محض فروشندگان کالاهای مستعمل کلیه توجیهاات و اهداف مسئولیت محض کالاها را به‌دنبال می‌آورد (Highland, 1979: 828). برای نمونه در ورود کالاهای خطرناک به بازار اثر بازدارنده دارد؛ موجب توزیع خسارت میان مصرف‌کنندگان خواهد شد؛ منابع به‌صورت بهینه تخصیص خواهد یافت و در نهایت خسارت زیان‌دیده بدون جبران نخواهد ماند. در مقابل، طرفداران رویکرد دوم معتقدند بازار کالاهای مستعمل ماهیت منحصربه‌فرد خود را دارد و ویژگی‌های خاص این بازار مانع تحقق اهداف مسئولیت محض است (Senagore, 2010: 385). در کنار نظرهای مذکور دیدگاه سومی نیز وجود دارد که براساس آن نمی‌توان حکم کلی برای همه

1. Escola v. Coca-Cola Bottling Co., Vandall, 2011: 25.

۲. برای توضیح بیشتر در خصوص ویژگی‌های مسئولیت محض تولیدکننده ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۸۴: ۳۳.

۳. متون بازنویسی حقوق در آمریکا، از مؤثرترین دانشنامه‌هایی هستند که توسط مؤسسه حقوق آمریکا (ALI) در حوزه‌های مختلف حقوق منتشر می‌شوند. این دانشنامه‌ها به شرح حقوق و تحولات آن در حوزه مربوطه می‌پردازند. اگرچه متون بازنویسی اثر الزام‌آور ندارند، به‌صورت مکرر توسط محاکم مورد استناد قرار می‌گیرند (Black, 2009: 1428). بازنویسی حقوق در کشورهای کاملاً به‌سبب تأثیرات عمده رویه قضایی در تحولات حقوقی نسبت به کشورهای نظام حقوق نوشته اهمیت زیادی دارد. آرای قضایی متعدد و متعارض وجود مجموعه‌هایی از این نوع را که آخرین تحولات حقوقی را به‌صورت سلیس و شفاف در اختیار دست‌اندرکاران حقوقی قرار می‌دهند، روشن می‌سازد.

بازارهای کالاهای مستعمل صادر کرد. ممکن است در بازار نوعی از کالای مستعمل یا نسبت به برخی فروشندگان از یک نوع، امکان اعمال مسئولیت محض وجود داشته باشد و در نوع دیگر یا فروشنده دیگر این امکان وجود نداشته باشد. در نتیجه مرجع قضایی باید اهداف مسئولیت محض را در هر مورد بسنجد و به تناسب هر پرونده تصمیم جداگانه اتخاذ کند (Humes, 1991: 375). این مقاله امکان گسترش مسئولیت محض نسبت به فروشندگان کالای مستعمل را بررسی کرده و از آنجا که این موضوع در قوانین ایران تصریح نشده است، تجربیات نظام حقوقی آمریکا به عنوان یک جامعه صنعتی در این خصوص مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

۲. مفهوم و اهمیت کالاهای مستعمل

مقصود از کالای مستعمل کالای استفاده‌شده، کارکرده و فرسوده است. مسئولیت کالای مستعمل در مورد کالاهایی مطرح می‌شود که بادوام بوده و در طول زمان قابل استفاده باشند. اینکه کالایی در دست خریدار نخست باقی نمانده و به خریدار دوم یا بعدی رسیده باشد، لزوماً موجب مستعمل شدن کالا نیست، چراکه صرف انتقال مالکیت موجب نمی‌شود که کالا فرسوده محسوب شود. بر این اساس استفاده از واژه «کالای مستعمل» یا «کالای کارکرده» بهتر از عبارت «کالای دست‌دوم» گویای مقصود است؛ هرچند در عرف، استفاده از «کالای دست‌دوم» مرسوم‌تر است. برای قضاوت در خصوص فرسوده بودن کالای مشخص باید به عرف بازار آن کالا مراجعه و از همه نشانه‌ها مانند گذر زمان، مدت گارانتی و تعداد دست‌هایی که کالا منتقل شده است، استفاده کرد.

بازار کالاهای مستعمل ویژگی‌هایی دارد که در تدوین قواعد مربوط باید به آنها توجه شود. اولین ویژگی طبیعی این بازارها که آنها را از کالاهای نو متمایز می‌کند، کاهش قیمت کالا در مقابل کاهش کیفیت است. بی‌شک مصرف‌کننده همان انتظاری را که از کالای نو دارد، از کالای مستعمل ندارد؛ درحالی‌که هرگونه تغییری در کالای نو مورد پذیرش نیست، مصرف‌کننده حدودی از پوسیدگی و کاهش کیفیت را در کالای مستعمل می‌پذیرد. دومین ویژگی این بازارها در مقایسه با کالاهای نو، تقارن اطلاعاتی کمتر طرفین معامله است. اصولاً کالاهای نو به صورت مثلی تولید می‌شوند و کیفیت مشابه دارند، درحالی‌که کالاهای مستعمل به دلیل مواجه شدن با نحوه مصرف و استفاده‌های گوناگون، کیفیت‌های مختلفی پیدا می‌کنند و مصرف‌کننده به سادگی نمی‌تواند کیفیت کاهش یافته کالای مستعمل را ارزیابی کند.

۳. فروشندگان حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای کالاهای مستعمل

در بازار کالاهای نو اصولاً فروشنده غیرحرفه‌ای که به صورت موردی اقدام به فروش کالا می‌کند، نمی‌تواند با فروشندگان حرفه‌ای رقابت کند، چراکه خرده‌فروش موردی^۱ نمی‌تواند کالا را به قیمت عمده از تولیدکننده به دست آورد؛ اما این وضعیت در بازار کالاهای دست‌دوم وجود ندارد. به همین علت برخلاف کالاهای نو که اغلب توسط فروشندگان تجاری و حرفه‌ای به فروش می‌رسند، کالاهای مستعمل هم توسط فروشندگان حرفه‌ای و هم توسط فروشندگان موردی به بازار عرضه می‌شوند. فروشنده حرفه‌ای (تجاری) شخصی است که فروش کالای موردنظر را به عنوان شغل انتخاب کرده است (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹: ۶۹). در مقابل، فروشنده غیرحرفه‌ای (غیرتجاری) شخصی است که به صورت موردی و اتفاقی به فروش کالای مستعمل مبادرت ورزیده است.

فرض بر آن است که فروشنده حرفه‌ای به واسطه فعالیت خود از توانایی‌ها و مهارت‌های بیشتری در شناسایی خطرهای ناشی از کالا برخوردار است. با اینکه انتظار از فروشنده حرفه‌ای در پیشگیری از خسارت با انتظار از فروشنده موردی متفاوت است، لیکن اصولاً این امر موجب نمی‌شود که سطح مسئولیت فروشنده تجاری کالای مستعمل به اندازه فروشنده کالای نو بالا آورده شود، بلکه سبب می‌شود مسئولیت فروشنده حرفه‌ای با تقصیر حرفه‌ای که نسبت به تقصیر عمومی، شدیدتر است، سنجیده شود. استدلال‌هایی که به نفع ضابطه تقصیر در مورد فروشندگان حرفه‌ای مطرح می‌شوند، در مورد فروشندگان غیرحرفه‌ای قوی‌تر عمل می‌کنند؛ چراکه این دسته از فروشندگان از جایگاه نامناسب‌تری برای توزیع زیان و مهارت کمتری در پیشگیری از زیان برخوردارند. بر همین اساس همان‌گونه که در ادامه بیان می‌شود، در سومین بازنویسی مسئولیت مدنی آمریکا مشارکت در تجارت کالای مستعمل یکی از شرایطی است که برای اعمال مسئولیت محض لازم دانسته شده است. علاوه بر این هیچ حوزه قضایی در حقوق آمریکا برای فروشندگان غیرتجاری کالاهای مستعمل، مسئولیت محض در نظر نگرفته است (Boedecker, 1993: 179). بر این اساس عمده مطالبی که در این مقاله نیز بررسی می‌شوند، معطوف به فروشنده تجاری هستند.

۴. مسئولیت محض فروشندگان کالاهای مستعمل در حقوق ایران

در قانون مدنی و قانون مسئولیت مدنی در خصوص خسارات ناشی از کالای معیوب حکم خاصی وجود ندارد. پذیرش مسئولیت محض نسبت به تولیدکنندگان و عرضه‌کنندگان کالا به صورت قاعده عمومی مورد تردید است. قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان کالا

1. Occasional seller

مصوب ۱۳۸۸ به‌عنوان مرجع اصلی حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان صراحتاً از مبنای مسئولیت محض سخن نگفته و این موضوع را به سایر قوانین، قرارداد و عرف ارجاع داده است (بادینی، ۱۳۹۱: ۵۲۴).^۱ این قانون از هدف اصلی مقررات حمایت از مصرف‌کننده که خسارات ناشی از کالاهاى معیوب است، دور افتاده و اغلب به عیب و نقص خود کالا پرداخته است^۲ (ابدالی، ۱۳۹۱: ۱۹۴). قانون دیگر در خصوص مسئولیت ناشی از عیب تولید، قانون حمایت از مصرف‌کنندگان خودرو مصوب ۱۳۸۶ است. هرچند این قانون مسئولیت محض عرضه‌کنندگان خودرو را پذیرفته و در جبران خسارات وارده به مصرف‌کننده یا اشخاص ثالث، اثبات تقصیر عرضه‌کننده را شرط نکرده است^۳، لکن این حکم صرفاً در مورد عرضه‌کنندگان خودرو بوده و قابل تعمیم به دیگر عرضه‌کنندگان کالا نیست.

در مورد مسئولیت عرضه‌کنندگان کالاهاى مستعمل در قوانین موضوعه ایران حکم صریحی به چشم نمی‌خورد. با وجود این به‌نظر می‌رسد ماده ۳ قانون مذکور گذشت مدت گارانتی را موجب مستعمل شدن کالا دانسته است. در این ماده عرضه‌کنندگان خودرو بدون در نظر گرفتن عنصر تقصیر، مکلف به رفع عیب و نقص در خودرو طی مدت گارانتی شده‌اند. تعیین مدت گارانتی نشان می‌دهد تنها عرضه‌کنندگان خودرو نو مشمول این مسئولیت خاص هستند، چراکه فروشندگان کالاهاى مستعمل اصولاً برای کالاهاى خود گارانتی ارائه نمی‌دهند.

۵. تحولات مسئولیت محض کالاهاى مستعمل در حقوق آمریکا

پذیرش مسئولیت محض کالاها در ایالات مختلف آمریکا با تحولات بسیاری همراه بوده است. تا اوایل قرن بیستم استناد به تقصیر تولیدکننده صرفاً توسط خواهانی امکان‌پذیر بود که رابطه قراردادی با تولیدکننده دارد (Humes, 1991: 378). هرچند در پی پیشرفت‌هایی که در حقوق مسئولیت مدنی آمریکا حاصل شد، این مانع مرتفع شد؛ اما زیان‌دیدگان همچنان مجبور بودند دعاوی خودشان را براساس تقصیر یا نقض تضمین^۴ اقامه کنند (Smith, 1982: 1). این دعاوی

۱. در خصوص دیدگاهی که قائل است قانون حمایت از مصرف‌کنندگان کالا زیان‌دیده را از اثبات تقصیر عرضه‌کننده کالا یا خدمات معیوب، معاف و صرف اثبات رابطه سببیت بین زیان و عیب کالا را کافی می‌داند، ر.ک: عبدی‌پور و پرتو، ۱۳۹۰: ۵۴.
۲. ماده ۲ قانون حمایت از مصرف‌کنندگان کالا مقرر می‌دارد: «کلیه عرضه‌کنندگان کالا و خدمات منفرداً و مشترکاً مسئول صحت و سلامت کالا و خدمات عرضه‌شده مطابق با ضوابط و شرایط مندرج در قوانین یا مندرجات قرارداد مربوطه یا عرف در معاملات هستند...».

۳. ماده ۳ قانون مذکور مقرر می‌دارد: «... هزینه رفع نقص یا عیب خودرو در طول مدت ضمانت و جبران کلیه خسارات وارده به مصرف‌کننده و اشخاص ثالث، اعم از خسارات مالی و جانی و هزینه‌های درمان ناشی از نقص یا عیب (که خارج از تعهدات بیمه شخص ثالث باشد) هزینه‌های حمل خودرو به تعمیرگاه، تأمین خودروی جایگزین مشابه در طول مدت تعمیرات (چنانچه مدت توقف خودرو بیش از چهل و هشت ساعت باشد) بر عهده عرضه‌کننده می‌باشد.»

4. Breach of warranty

مواع ذاتی عدیده‌ای جلوی خواهان قرار می‌دادند. در خصوص دعوی تقصیر اولاً اثبات تقصیر برای زیان‌دیده‌ای که نسبت به ماهیت کالا یا فرایند تولید آگاهی ندارد، امری بسیار دشوار است؛ ثانیاً رفتار متعارف به معنای عدم وقوع خسارت نیست و تولیدکننده می‌تواند ادعا کند که تمام احتیاط‌های لازم را به‌عمل آورده و با وجود این، خسارت به وقوع پیوسته است. در دعوی نقض تضمین نیز هرچند استناد به تقصیر برای وقوع نقض عهد، ضروری نیست، اما همچنان وجود رابطه قراردادی بین خسارت‌دیده و تولیدکننده لازم است. این تلاش‌ها همچنان ادامه دارد تا اینکه در نهایت مسئولیت محض در خصوص خسارات ناشی از کالا مورد پذیرش قرار می‌گیرد و خواهان از بار اثبات تضمین یا تقصیر تولیدکننده معاف می‌شود (Humes, 1991: 382 & 380) این تحولات با تدوین بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا در سال ۱۹۶۴ مورد تأیید مجدد قرار گرفت (Kyle, 2014: 1). بخش ۴۰۲(الف) این متن مقرر می‌دارد: «...۱. شخصی که هرگونه کالایی را در شرایط معیوب که برای استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده یا اموالش به‌صورت غیرمتعارف خطرناک است می‌فروشد در مقابل خسارت مادی که به موجب آن به استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده نهایی یا اموالش رسیده، مسئول است اگر: الف) فروشنده در تجارت فروش چنین کالایی مشارکت کرده باشد و ب) انتظار برود و این‌گونه هم باشد که بدون تغییر اساسی در آن وضعیتی که فروخته‌شده به استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده برسد.»

۲- قاعده مندرج در بند ۱ اعمال می‌شود، اگرچه:

الف) فروشنده کلیه احتیاط‌های ممکن را در آماده‌سازی و فروش چنین کالایی اعمال کرده باشد و

ب) استفاده‌کننده یا مصرف‌کننده، کالا را از فروشنده نخریده یا وارد هرگونه رابطه قراردادی با فروشنده نشده باشد» (Restatement of the Law, § 402 A: 347).

مقرره مذکور به‌صراحت مسئولیت مدنی محض فروشنده کالا را اعلام و شروط تقصیر و رابطه قراردادی را از این دعاوی حذف کرده است. برخی نویسندگان در حقوق آمریکا عبارت متن بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی را در خصوص فروشندگان کالاهای مستعمل دارای ابهام می‌دانند (Humes, 1991: 375) و بعضی دیگر معتقدند متن مذکور صراحتاً مسئولیت محض را به فروشندگان کالاهای مستعمل نیز گسترش داده است، چراکه عبارت «هر شخصی که در تجارت کالا مشارکت نماید» فروشنده کالای مستعمل و عبارت «هر کالایی» کالای مستعمل را در برمی‌گیرد (Maloney, 1974: 643 & 644). به‌نظر می‌رسد هرچند فروشنده کالای مستعمل یکی از اشخاصی است که در تجارت کالا مشارکت می‌کند و از این نظر مقرره موصوف عمومیت دارد، اما براساس بند «ب» که «عدم تغییر اساسی در کالا قبل از رسیدن به

مصرف‌کننده یا استفاده‌کننده» را شرط کرده است، این ابهام وجود دارد که آیا مستعمل شدن کالا به معنی تغییر اساسی محسوب می‌شود یا خیر. در عمل محاکم نیز به دلایل لفظی اکتفا نکرده و در گسترش مسئولیت محض، سیاست‌ها و اهدافی را که مبنای تدوین بخش ۴۰۲(الف) بوده است نیز کاملاً مدنظر قرار داده‌اند.

برخلاف نمونه دوم، در نسخه سوم بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا مسئولیت مدنی فروشندگان و توزیع‌کنندگان کالاهای مستعمل به‌صراحت مورد توجه قرار گرفت. در بخش هشتم این نسخه آمده است (Dreier, 1998: 2115): «شخصی که در تجارت فروش یا توزیع کالاهای مستعمل مشارکت کند، به‌نحوی که کالای مستعمل معیوبی را بفروشد یا توزیع کند، در مقابل خسارتی که به‌وسیله آن عیب به اشخاص و اموال دیگران وارد آمده مسئولیت دارد چنانچه آن عیب:

الف) از عدم اعمال احتیاط متعارف ناشی شده باشد؛

ب) کالا دارای عیب تولید بوده و بازاریابی فروشنده کالا موجب شود یک شخص متعارف در موقعیت خریدار، انتظار داشته باشد که کالای مستعمل، ریسکی بیشتر از آنچه اگر کالا نو بود ندارد؛

ج) کالا معیوب بوده و توسط فروشنده یا دست قبلی در زنجیره تجاری کالای مستعمل بازسازی شده باشد؛

د) براساس قسمت چهارم ناشی از عدم مطابقت کالای مستعمل با ضوابط و مقررات امنیت کالا که قابل اعمال به کالای مستعمل است باشد».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، نسخه سوم بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا، مسئولیت محض را برای فروشندگان و توزیع‌کنندگان تجاری کالاهای مستعمل به‌صورت قاعده عمومی نپذیرفته است. در بند «الف» فروشنده کالای مستعمل همواره برای رفتار مبتنی بر تقصیر خود مسئولیت دارد؛ اما مسئولیت محض او به موارد مصرح در بندهای «ب»، «ج» و «د» محدود شده است؛ بنابراین در صورتی که خواهان نتواند یکی از شرایط بندهای مذکور را نشان دهد، نمی‌تواند به مسئولیت محض استناد کند.

۶. سنجش اهداف مسئولیت محض کالاها نسبت به کالای مستعمل

۱. ۶. تخصیص بهینه منابع

در واقع درونی کردن هزینه‌های اجتماعی حوادث سبب می‌شود تا کالاها و خدمات به‌صورت مطلوب و کارا تخصیص یابد (بادینی، ۱۳۸۴: ۴۱۴). تخصیص بهینه منابع زمانی حاصل خواهد شد که کلیه هزینه‌هایی را که کالا برای جامعه داشته است، از جمله هزینه حوادث در قیمت نهایی

کالا منعکس شود و مصرف‌کننده با آگاهی از این موضوع در خصوص خرید کالا از بین کالاهای مشابه اقدام کند. چنانچه این هزینه‌ها در قیمت کالا منعکس نشود، مصرف‌کننده به دلیل ناآگاهی از خطرهای احتمالی یا تمایل به نادیده گرفتن خطرهای هزینه‌های خسارات اتفاقی را در تصمیم خود لحاظ نمی‌کند؛ از این رو قیمت کمتر محصول، موجب افزایش مصرف و افزایش حوادث برای جامعه خواهد شد؛ لکن اگر هزینه‌های حوادث در قیمت نهایی کالا دیده شود، قیمت‌های بیشتر موجب کاهش مصرف و کاهش حوادث و هزینه‌های مربوط برای جامعه می‌شود. افزایش هزینه‌های تولید از جمله هزینه بیمه حوادث، انگیزه تولیدکننده را برای تولید کالای ایمن‌تر افزایش خواهد داد. در شرایط رقابتی، تولیدکننده‌ای که بتواند کالایی با خطرهای کمتر تولید کند و از این طریق هزینه‌های خود را کاهش دهد، از قیمت نهایی محصول خود خواهد کاست. در نتیجه جامعه از کالایی ایمن‌تر و با هزینه‌ای کمتر بهره‌مند خواهد شد. اما این وضعیت در صورتی اتفاق خواهد افتاد که شرایط رقابت برای کلیه تولیدکنندگان یکسان باشد؛ یعنی همه تولیدکنندگان مشمول مسئولیت محض قرار گیرند. اگر تولیدکننده‌ای الزام به رعایت این نوع از مسئولیت و هزینه‌های مربوطه نداشته باشد، کالای خود را با قیمت کمتر عرضه خواهد کرد و همچنان قیمت کمتر موجب مصرف بیشتر و بالطبع حوادث افزون‌تر خواهد شد (Derrick, 2003: 271 & 272).

حال سؤال این است که آیا بهتر نیست همین سیاست در مورد کالاهای مستعمل نیز اعمال شود تا جامعه از امنیت بیشتری در مقابل حوادث ناشی از کالاهای معیوب بهره‌مند شود؟ در پاسخ به این پرسش باید وضعیت منحصربه‌فرد بازار کالاهای مستعمل در مقایسه با شرایط کالاهای نو را در نظر آورد. همان‌طور که اشاره شد، در بازار کالاهای نو عملاً فروشندگان غیرتجاری امکان رقابت با فروشندگان تجاری را ندارند، اما در بازار کالاهای مستعمل فروشندگان به‌راحتی کالای خود را در رقابت با فروشندگان تجاری عرضه می‌کنند. به‌خصوص در مقایسه با گذشته این امر با گسترش فضای مجازی بسیار تسهیل شده است. در نتیجه چنانچه فروشندگان تجاری کالاهای مستعمل، مشمول مسئولیت محض قرار گیرند، با توجه به اینکه عرضه‌کنندگان دیگر مشمول این مسئولیت نیستند، سیاست مذکور با شکست روبه‌رو خواهد شد، چراکه عرضه‌کننده موردی که الزامی به تحمل هزینه‌های افزایش مسئولیت نمی‌بیند، کالای خود را با قیمت کمتر عرضه خواهد کرد و عرضه کالا با قیمت کمتر موجب افزایش مصرف و افزایش هزینه‌های حوادث خواهد شد. صرف‌نظر از این موضوع، برابر کردن فروشندگان تجاری و غیرتجاری از حیث مسئولیت می‌تواند امکان رقابت برابر و تخصیص

مناسب‌تر منابع را در پی داشته باشد^۱، اما همان‌طور که در ادامه اشاره خواهد شد، مسئولیت محض برای این دسته از فروشندگان از لحاظ دیگر مانند مخالفت با مقتضی بازارهای کالاهای مستعمل، عملی نبودن توزیع ریسک، نبود اطلاعات کافی در مورد عیوب کالا و مشکلات فروشنده در مراجعه به تولیدکننده با ایراد مواجه است.

۲.۶. توزیع زیان

توزیع زیان میان تعداد گسترده‌ای از افراد به نسبت قرار دادن آن بر دوش زیان‌دیده، هزینه‌های اجتماعی کمتری خواهد داشت، چراکه تحمل خسارت سنگین توسط یک یا چند فرد محدود می‌تواند به فلاکت اقتصادی آنها منجر شود. حال آنکه توزیع همین خسارت میان تعداد زیادی از افراد موجب می‌شود از فشار مسئولیت کاسته شده و از هزینه‌های اجتماعی ناشی از جابه‌جایی اقتصادی جلوگیری شود. علت این مسئله در نظریه «کاهش ارزش اقتصادی پول»^۲ نهفته است. براساس این نظریه که از مبانی تحقق و گسترش انواع بیمه‌ها محسوب می‌شود، اگر هزار نفر هر کدام هزار تومان از دست بدهند، احساس رنج کمتری خواهند کرد نسبت به حالتی که یک شخص یک میلیون تومان از دست بدهد (Humes, 1991: 390-391).

در میان تولیدکننده و مصرف‌کننده، بهتر است مسئولیت بیمه و توزیع زیان بر عهده تولیدکننده قرار گیرد. تولیدکننده می‌تواند با افزودن هزینه بیمه به قیمت نهایی کالا، هزینه مذکور را در بین تمامی مصرف‌کنندگانی که از کالا بهره می‌برند، توزیع کند. شایان ذکر است صرف توزیع زیان و کاهش مطلوبیت نهایی پول دلیل کافی برای مسئولیت محض تولیدکننده نیست، بلکه این موقعیت متمایز تولیدکننده است که این مسئولیت را به‌دنبال می‌آورد، چراکه اولاً تولیدکننده عامل زیان محسوب می‌شود و حتی اگر تمام احتیاط‌های لازم را در تولید کالا لحاظ کرده باشد، نسبت به مصرف‌کننده‌ای که تأثیری در ورود کالای معیوب به چرخه مصرف نداشته است، در تحمل بار مسئولیت اولویت دارد. ثانیاً تولیدکننده با توجه به پیچیدگی‌های فرایند تولید به عیوب کالا واقف‌تر است، از این رو در تأمین نوع و میزان پوشش بیمه‌ای مناسب برای خطرهای احتمالی تصمیم مناسب‌تری اتخاذ خواهد کرد.

باید توجه داشت که تولیدکننده یا ارائه‌دهنده خدمات همواره نمی‌تواند با تحصیل پوشش بیمه، هزینه آن را به قیمت کالا بیفزاید، چراکه قیمت برخی کالاها از سوی نهادهای عمومی تعیین می‌شود و فروشنده نمی‌تواند از آن تخطی کند. علاوه بر این امکان استفاده از بیمه برای

۱. در مورد رویکردی که اعمال مسئولیت محض به فروشندگان کالاهای مستعمل را موجب تخصیص بهینه منابع می‌داند، ر Highland, 1979: 825 - 826

2. The theory of diminishing marginal utility of money

همه خطرها وجود ندارد. خطری قابلیت بیمه شدن را دارد که برای بیمه‌گذار امکان محاسبهٔ اجمالی آثار آن وجود داشته باشد. تحمیل مسئولیت محض و افزایش هزینه‌های مربوط ممکن است تولیدکننده را از ادامهٔ فعالیت منصرف کند. چنانچه مسئولیت محض موجب شود ارائهٔ کالا یا خدماتی که برای جامعه مفید و ضروری است متوقف شود و از راه‌های دیگر نیز نتوان تولیدکننده را به ارائهٔ کالا تشویق کرد، باید از مسئولیت محض دست شست تا به واسطهٔ کاهش هزینهٔ تولید، همچنان جامعه از مزایای کالای ضروری بهره‌مند بماند.

در میان فروشندهٔ تجاری کالای مستعمل و مصرف‌کننده نیز فروشندهٔ تجاری بهتر می‌تواند توزیع خسارت را تحقق بخشد. به همین علت در پروندهٔ ترنر علیه شرکت بین‌المللی هاروستر^۱ دادگاه استدلال کرد که مسئولیت محض فروشنندگان کالای مستعمل، ریسک کالاهای معیوب را به همان ترتیبی که در مورد فروشنندگان کالای نو مطرح است، توزیع خواهد کرد (Senagore, 2010: 366)؛ لکن تحمیل توزیع خسارت به تبع مسئولیت محض به فروشنندگان کالاهای مستعمل با مانع جدی مواجه است. ابزار توزیع ریسک و خسارت در غالب موارد بیمه است. مسئولیت‌هایی بیمه می‌شوند که برای بیمه‌گر امکان سنجش آثار آن در زمان حادثه فراهم باشد. در فروش کالاهای نو فرض این است که فروشنندگان و واسطه‌های میانی که بین تولیدکننده و مصرف‌کننده قرار دارند، در کالا دخل و تصرفی نمی‌کنند و کالا را به همان صورتی که تحویل گرفته‌اند، تسلیم خریدار خواهند کرد؛^۲ اما در مورد کالاهای مستعمل چنین فرضی وجود ندارد. نحوهٔ مصرف، استفاده یا حوادثی که برای یک کالا اتفاق افتاده، ممکن است با کالای دیگر از همان نوع کاملاً متفاوت باشد. این وضعیت موجب می‌شود برخی از کالاهای مستعمل دارای عیوبی شوند که شناسایی آنها به آسانی میسر نیست. اگر برای سنجش میزان خطرهای کالاهای نو که در زمان تولید از حیث کیفیت مشابه یکدیگرند، یکبار کارشناسی کافی باشد، در کالاهای دست‌دوم بیمه‌گر لازم است برای سنجش عیوب هر کالا کارشناسی جداگانه صورت دهد. از سوی دیگر، بر فرض که شناسایی عیوب پنهان کالاهای مستعمل مقدور باشد، این مسئله سبب افزایش قیمت این‌گونه کالاها خواهد شد؛ امری که با طبیعت بازار این کالاها تعارض دارد. مصرف‌کننده یا استفاده‌کننده کالاهای مستعمل معمولاً به دلیل قیمت کمتر کالاهای مستعمل جذب این بازار می‌شود. حال چنانچه با افزایش هزینه‌های ناشی از مسئولیت محض، فروشنده مجبور به تأمین پوشش بیمه‌ای و افزایش هزینهٔ قیمت نهایی کالا شود، قسمت مهمی از مشتریان خود را از دست خواهد داد. وضعیت

1. Turner v. International Harvester Co.

۲. به همین علت اگر مشخص شود که کالا قبل از رسیدن به مصرف‌کننده به صورت اساسی تغییر کرده است، دیگر تولیدکننده مسئولیت محض نخواهد داشت.

پیش‌آمده موجب می‌شود بازار تجاری کالاهای مستعمل رو به تعطیلی بگذارد و با توجه به عدم مسئولیت محض فروشندگان موقتی، بازار این‌گونه کالاها گسترش یابد. تعطیلی بازار تجاری کالاهای مستعمل از یک‌سو جامعه را از منافع آن بی‌بهره خواهد کرد و از سوی دیگر، نه تنها امنیت مورد انتظار از مسئولیت محض را افزایش نمی‌دهد، بلکه آن را کاهش نیز خواهد داد، چراکه فروشنده تجاری، اطلاعات بیشتری در خصوص کالای مستعمل نسبت به فروشنده موردی دارد و با توجه به دائمی بودن فعالیت خود درصدد بر خواهد آمد از حسن شهرت برخوردار شود و از فروش کالای معیوب به خریدار خودداری ورزد، اما فروشنده موردی به دلیل اینکه به صورت اتفاقی به فروش کالای مستعمل پرداخته است، چنین انگیزه‌ای ندارد (Senagore, 2010: 376).

۳.۶. بازدارندگی

تولیدکننده تا زمانی که هزینه‌های ناشی از حوادثی را که از کالای معیوب او به جامعه وارد می‌شود نمی‌پردازد، انگیزه‌ای برای شناسایی و رفع عیوب نخواهد داشت. تحمیل مسئولیت و هزینه‌های اقتصادی ناشی از آن موجب خواهد شد شخصی که مسئولیت را در صورت بروز خسارت عهده‌دار خواهد شد، تمهیداتی بیندیشد تا حتی‌الامکان از بروز خسارت جلوگیری شود. هرچند فرض این است که تئوری تقصیر، انگیزه لازم برای اعمال کلیه احتیاط‌های متعارف را فراهم می‌آورد؛ لکن در عمل پیچیدگی‌های فرایند تولید سبب شد اثبات کوتاهی تولیدکننده امری دشوار باشد. در شرایطی که تقصیر تولیدکننده به سختی احراز می‌شود، او به عدم رعایت احتیاط ترغیب خواهد شد. از این‌رو عدم پذیرش مسئولیت محض در شرایط مذکور نه تنها موجب شناسایی و رفع عیوب نخواهد شد، بلکه حداقل استانداردهای لازم را نیز فراهم نخواهد آورد.

پیشگیری از زیان در صورتی تحقق می‌یابد که مسئولیت بر عهده شخصی قرار گیرد که تصمیم می‌گیرد چه اقدامات احتیاطی باید انجام گیرد (Wendell Holmes, 1881: 117)؛ از این‌رو در بین کلیه عوامل دخیل در زنجیره تولید و توزیع کالا اعم از تولیدکننده، فروشندگان عمده، خرده‌فروشان و مصرف‌کنندگان، پیشگیری از زیان در صورتی به‌نحو مؤثر تحقق می‌پذیرد که مسئولیت بر عهده تولیدکننده قرار گیرد. تولیدکننده با توجه به موقعیت خاص خود و اطلاع از فرایند تولید می‌تواند تصمیم بگیرد چه اقدامات احتیاطی برای پیشگیری از زیان لازم است. به همین علت چنانچه زیان‌دیده به‌منظور دریافت خسارت به فروشنده مراجعه کند، فروشنده نیز می‌تواند پس از پرداخت خسارت به تولیدکننده مراجعه کند.

در خصوص اینکه آیا مسئولیت محض فروشنده کالاهای مستعمل می‌تواند به تولید یا توزیع کالاهایی ایمن‌تر منجر شود، در حقوق آمریکا اختلاف دیدگاه وجود دارد. برخی معتقدند نیاز به بررسی کالا قبل از عرضه آن در کالاهای مستعمل بیشتر است. فروشندگان این کالاها در واقع گردش کالاهای خطرناک را تسهیل می‌کنند، به همین دلیل مسئولیت محض این فروشندگان موجب خواهد شد قبل از فروش به بررسی و رفع عیوب کالا بپردازند. درست است که بررسی و رفع عیوب موجب افزایش هزینه کالای مستعمل می‌شود، اما این هزینه‌ها با هزینه خسارات ناشی از حوادثی که قرار بود به جامعه وارد شوند، جبران خواهند شد. از سوی دیگر، در بخش ۴۰۲(الف) متن بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا ضابطه‌ای که برای مسئولیت محض در نظر گرفته شده «مشارکت در تجارت کالا» است و عبارتی مبنی بر اینکه فروشنده جزء زنجیره اصلی توزیع باشد یا بتواند در تولید کالای ایمن به تولیدکننده فشار وارد کند، در آن گنجانده نشده است (Senagore, 2010: 369; Highland, 1979: 826)؛ از این رو مسئولیت محض مقرر در قسمت مذکور، فروشنده کالای مستعمل را نیز در برمی‌گیرد.

گروه دیگر بر این نظرند که مسئولیت محض فروشنده کالای مستعمل، هدف بازدارندگی را برآورده نمی‌کند. باید با این رویکرد هم‌آواز شد، چراکه بین بازار کالاهای نو و مستعمل تفاوت ساختاری وجود دارد. این تفاوت ساختاری اجازه نمی‌دهد هدف بازدارندگی در هر دو بازار به یک شکل اجرایی شود. به این دلیل که اولاً تولیدکننده و فروشندگان کالاهای نو به صورت هماهنگ و با اهداف اقتصادی مشترک عمل می‌کنند، درحالی‌که تولیدکننده و فروشنده کالای مستعمل انگیزه‌های اقتصادی همسان ندارند و هر دو در به دست آوردن مشتری با یکدیگر رقابت می‌کنند. فروشندگان کالاهای نو می‌توانند با انتقال انتظارات مصرف‌کنندگان از یک سو و خرید کالاهای ایمن‌تر از سوی دیگر، تولیدکننده را به رعایت احتیاط وا دارند، درحالی‌که چنین انگیزه و توانایی در فروشندگان کالای مستعمل وجود ندارد (Senagore, 2010: 377).

ثانیاً رابطه سببیت از عناصر ضروری مسئولیت محض است. در بازار کالاهای نو با توجه به اینکه اصولاً کالاها به همان صورتی که تولید شده‌اند به مصرف‌کننده می‌رسند، ارتباط تولیدکننده با مصرف‌کننده برقرار است و زیان ناشی از کالا می‌تواند به تولیدکننده منتسب شود. درحالی‌که کالای مستعمل ممکن است با انواع استفاده‌ها و تغییرات اساسی به مصرف‌کننده آسیب‌دیده منتقل شود، در این صورت در قابلیت انتساب زیان به تولیدکننده یا فروشنده کالای مستعمل تردید جدی وجود دارد.

ثالثاً در بازار کالاهای نو کالاها در مدت زمان کوتاهی به مصرف‌کننده می‌رسند و در صورت مراجعه مصرف‌کننده یا استفاده‌کننده آسیب‌دیده به فروشنده او نیز می‌تواند به تولیدکننده مراجعه کند؛ درحالی‌که کالای مستعمل ممکن است پس از گذشت چندین سال به مصرف‌کننده جدید منتقل شود. در این صورت اگر زیان‌دیده به فروشنده کالای مستعمل مراجعه کند، ممکن است فروشنده به دلایل مختلف از جمله مرور زمان، انحلال، اعسار و ورشکستگی تولیدکننده نتواند خسارت خود را مسترد کند (Senagore, 2010: 377; Kats, 1983: 345-346).

رابعاً هرچند الزام فروشنده کالای مستعمل به بررسی و تعمیر قبل از بافروش به کالاهای ایمن‌تر منجر خواهد شد، اما هزینه‌های بازرسی و تعمیر، قیمت نهایی کالا را افزایش می‌دهد، به‌خصوص زمانی‌که خرده‌فروش با کالاهای متنوع سروکار داشته باشد. این افزایش قیمت‌ها همچنان‌که ذکر شد، با طبیعت بازار کالاهای مستعمل که مقتضی کالاهایی با قیمت کمتر است، تعارض دارد و به گسترش جایگزین‌های غیرتجاری خطرناک‌تر منجر می‌شود (Shapo, 2017: 18-12) و امری تحقق خواهد یافت که کاملاً نقیض هدف بازاریابی است (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹: ۹۳؛ Goodwin, 1981: 537; Humes, 1991: 404).

برخی نویسندگان معتقدند برای کلیه بازارهای کالاهای مستعمل نمی‌توان حکم یکسان در نظر گرفت. اهداف مسئولیت محض باید در خصوص هر یک از بازارها به‌صورت جداگانه مورد بررسی و اتخاذ تصمیم قرار گیرد (Humes, 1991: 375). از دیدگاه این گروه، برخی فروشندگان کالاهای مستعمل از توانایی لازم برای کاهش ریسک و تحمل هزینه‌های ناشی از مسئولیت محض برخوردارند. در خصوص دیدگاه مذکور هرچند تطبیق مورد به مورد پرونده‌ها با اهداف مسئولیت محض نتایج دقیق‌تری را به‌دنبال دارد، اما اصولاً مسئولیت محض با ماهیت بازار کالاهای مستعمل تعارض دارد و تنها در موارد استثنایی ممکن است فروشنده تجاری کالای مستعمل بتواند در عین تحمل هزینه‌های ناشی از مسئولیت محض، رقابت‌پذیری خود را با فروشندگان کالای نو و فروشندگان غیرحرفه‌ای حفظ کند.

۴.۶. اظهار ضمنی تولیدکننده و انتظارات مصرف‌کننده

از توجیحات دیگری که برای تحمیل یا رد مسئولیت محض مورد توجه محاکم آمریکا قرار گرفته، اظهار ضمنی تولیدکننده و انتظارات معقول مصرف‌کننده است (Hahn, 1985: 192). از یک‌سو تولیدکننده با قرار دادن کالا در جریان تجارت به‌صورت ضمنی اذعان می‌دارد چنانچه کالا به‌نحوی که قصد شده، استفاده شود، موجب خطر غیرمتعارفی نخواهد شد و از سوی دیگر، مصرف‌کننده‌انتظار دارد کالا برای استفاده موردنظر، مناسب بوده و حاوی خطر

غیرمتعارف نباشد؛ بنابراین چنانچه روشن شود کالا برخلاف شرط ضمنی مذکور معیوب بوده و موجب خسارت شود، نقض تعهد اتفاق افتاده و تولیدکننده بدون توجه به تقصیر او باید مسئول شناخته شود (Humes, 1991: 395).

در مورد مبنای اظهار ضمنی و انتظارات مصرف‌کننده نسبت به کالاهای مستعمل گفته شده است برخلاف کالاهای نو، صرف عرضه کالاهای مستعمل حاوی شرط ضمنی امنیت کالا نیست. چنانچه خریداری چنین تضمینی بخواهد باید از فروشنده آن را مطالبه کند یا از فروشنده‌ای کالا را بخرد که به صورت خودکار چنین تعهدی را ارائه می‌کند (Humes, 1991: 162; Christiansen, 1981: 405). در مقابل برخی محاکم با این نتیجه‌گیری مخالفت کرده و معتقدند این‌گونه نیست که مصرف‌کننده کالای مستعمل انتظاراتی راجع به امنیت کالا نداشته باشد، چراکه این نکته که کالا باید برای هدفی که از آن استفاده می‌شود مناسب باشد، محدود به کالاهای نو نیست (Hahn, 1985: 193). در کنار نظریات مذکور، رویکرد قابل توجه دیگری نیز وجود دارد. براساس رویکرد سوم، مسئولیت محضی که در بخش ۴۰۲(الف) متن بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا آمده، مستلزم هیچ اظهار یا تعهدی اعم از صریح یا ضمنی از طرف فروشنده نیست. در واقع استناد به تئوری اظهار ضمنی یا اتکا مصرف‌کننده که ریشه در تئوری تضمین به‌عنوان یکی از قواعد حقوق قراردادها دارد، به‌عنوان مبنای مسئولیت محض که یکی از موضوعات حقوق مسئولیت مدنی است، با ایراد مواجه است و باید کنار گذاشته شود (Hahn, 1985: 194).

در خصوص نظریات اول و دوم باید پذیرفت سطحی از انتظار نیز در کالاهای مستعمل وجود دارد، اما سطح انتظارات مصرف‌کننده در مورد این کالاها با کالاهای نو متفاوت است. به‌دلیل همین میزان انتظار از کیفیت و امنیت کالا است که در صورت وقوع خسارت ناشی از تقصیر، زیان‌دیده می‌تواند به فروشنده این کالاها مراجعه کند، اما این انتظارات به‌حدی نیست که یک مسئولیت خاص برای فروشنده ایجاد کند و او را مسئول کلیه عیوبی بداند که قبل از او در مورد کالا حادث شده است (Shapo, 2017: 13-18). مگر آنکه فروشنده با اقداماتی مانند بازسازی کالای مستعمل یا اظهار صریح راجع به کیفیت و امنیت کالا، سطح انتظارات مصرف‌کننده را افزایش داده باشد.^۱

در خصوص رویکرد سوم نیز باید گفت اینکه در بخش ۴۰۲(الف) از متن بازنویسی حقوق مسئولیت مدنی آمریکا اشاره‌ای به مبنای اظهار ضمنی و انتظارات مصرف‌کننده نشده،

۱. اعمال مسئولیت محض در فرضی که فروشنده کالای مستعمل اقدام به بازسازی آن کرده است، علاوه بر اینکه در راستای انتظارات مصرف‌کننده است موجب می‌شود مسئولیت بر شخصی تحمیل شود که در کنترل کیفیت دخالت دارد (Shapo, 2017: 18-19).

بدان معنی نیست که در تدوین مقررۀ موصوف دخالت نداشته و مورد توجه تدوین‌کنندگان آن نبوده است. همچنان‌که نمی‌توان پذیرفت مبانی دیگر مانند توزیع ضرر یا بازدارندگی به دلیل عدم ذکر در متن مقررۀ موصوف مورد عنایت تدوین‌کنندگان نبوده‌اند.

از سوی دیگر اینکه انتظارات مصرف‌کننده به دلیل ریشۀ قراردادی نباید در تأیید یا رد مسئولیت محض مورد استناد قرار بگیرد نیز قابل تأمل به نظر می‌رسد. درست است که آثار تعهدات قراردادی وابسته به اراده و انتظارات طرفین است و آثار مسئولیت مدنی ناشی از حکم قانونگذار؛ اما حکم قانونگذار در مواردی متأثر از انتظارات طرفین است. چنانچه در یافتن مفهوم تقصیر به عنوان یکی از موضوعات مطرح در مسئولیت مدنی، سطح انتظارات طرفین باید مورد توجه قرار گیرد. به این ترتیب هرچند مبنای اظهار ضمنی و انتظارات مصرف‌کننده به دلیل پاره‌ای مشکلات مانند لزوم رابطه نسبی نمی‌توانند مبنای کافی برای تحمیل مسئولیت محض در همه موارد فراهم بیاورند، لکن در یک نگاه کلی نمی‌توان انتظارات عمومی مصرف‌کنندگان را در گسترش مسئولیت محض نادیده گرفت.

۷. نتیجه

مسئولیت مدنی حیطة پویایی است که در قرن اخیر تحولات فراوانی داشته است. تحولات متعدد و موضوعات متنوع موجب شده است که یک قاعده عمومی را یارای پاسخگویی به تمامی نیازها نباشد. هر حوزه را باید به صورت جداگانه بررسی کرد و با مصالح کلی مسئولیت مدنی سنجید تا قاعده متناسب با آن مصداق، استخراج شود. هرچند در نگاه نخست به نظر می‌رسد که اهدافی مانند تخصیص بهینه منابع، بازدارندگی و توزیع زیان از تحمیل مسئولیت محض به فروشندگان کالاهای مستعمل حمایت می‌کنند، اما بررسی مجموع اهداف مذکور در کنار یکدیگر نشان داد برخلاف بازار کالاهای نو این اهداف در بازار کالاهای مستعمل تحقق نمی‌پذیرد.

بازار کالاهای مستعمل، از حیث ساختاری با بازار کالاهای نو متفاوت است. ماهیت این بازارها مقتضی کالاهایی با قیمت کمتر است. مصرف‌کنندگان به دلیل قدرت خریدی که این بازارها برای آنها ایجاد می‌کند، جذب آن می‌شوند. افزایش قیمت ناشی از مسئولیت محض، خریداران این کالاها را از خرید منصرف خواهد کرد و همین مسئله موجب می‌شود بسیاری از فروشندگان تجاری این کالاها از گردونه تجارت کنار گذاشته شوند. مصرف‌کنندگان به سمت جایگزین‌های غیرتجاری خواهند رفت. فروشندگان موقتی و موردی علاوه بر اینکه اطلاعات کمتری در خصوص کالای مستعمل دارند، انگیزه‌ای در ایجاد حسن شهرت ندارند؛ به همین دلیل انگیزه و توان کمتری در عرضه کالاهای ایمن‌تر دارند.

اصولاً کالاهای نو در بازه زمانی کوتاه و بدون تغییر توسط فروشندگان به دست مصرف‌کنندگان می‌رسند، بنابراین بین تولیدکننده و مصرف‌کنندگان ارتباط برقرار است و فروشنده در صورت جبران خسارت می‌تواند به تولیدکننده به‌عنوان مسئول نهایی مراجعه کند، اما در کالاهای مستعمل ممکن است کالا، سال‌ها بعد مورد فروش قرار بگیرد. به‌علاوه اینکه این کالاها در دست مصرف‌کنندگان مختلف به انواع مختلف مصرف می‌شوند و می‌توانند دچار تغییرات اساسی شوند. این وضعیت ارزیابی خسارات آتی ناشی عیوب کالا را دشوار ساخته و توزیع زیان به‌وسیله بیمه را با مشکل مواجه می‌کند. علاوه بر این در صورت مراجعه زیان‌دیده به فروشنده کالای مستعمل ممکن است به‌علت گذشت مدت زمان طولانی از تولید کالا، مراجعه فروشنده به تولیدکننده مقدر نباشد.

منابع

الف) فارسی

۱. ابدالی، مهرداد (۱۳۹۱). «بررسی تطبیقی مبنا و حدود مسئولیت ناشی از عیب تولید در حقوق ایران، فرانسه و دستورالعمل جامعه اروپا»، *مجله حقوقی دادگستری*، ش ۷۸.
۲. بادینی، حسن (۱۳۸۴). *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: سهامی انتشار.
۳. ----- (۱۳۹۱). «نقدی بر مبنا و قلمرو مسئولیت مدنی عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان مصوب ۱۳۸۸»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش ۵۸.
۴. جعفری‌تبار، حسن (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی کالاها*، تهران: دادگستر.
۵. عبدی‌پور، ابراهیم؛ پرتو حمیدرضا (۱۳۹۰). «مسئولیت عرضه‌کنندگان کالا و خدمات در قانون حمایت از مصرف‌کنندگان حرکی رو به جلو یا بازخوانی قواعد سنتی»، *حقوق تطبیقی (نامه مفید)*، تابستان، دوره ۷، (۱۷)، ش ۱ (۸۵).
۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴). *مسئولیت ناشی از عیب تولید*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ب) خارجی

7. Boedecker, Karl & Morgan, Fred W. (1993), "Strict Liability for Sellers of Used Products: A Conceptual Rationale and Current Status" *Journal of Public Policy & Marketing*, Vol. 12, No. 2.
8. Christiansen, Steven J. (1981), "Used Products and Strict Liability: A Practical Approach to a Complex Problem", *Brigham Young University Law Review*, Vol. 1981, Issue 1.
9. Derrick, Williams (2003), "Secondhand Jurisprudence in Need of Legislative Repair: The Application of Strict Liability to Commercial Sellers of Used Goods", *Texas Wesleyan Law Review*, Vol. 9, Issue 2.
10. Dreier, William A. (1998), "The Restatement (Third) of Torts: Products Liability and New Jersey Law - Not Quite Perfect Together", *Rutgers Law Review*, Vol. 50, Issue 4.
11. Garner, Bryan A. (2009), *Black's Law Dictionary*, Thomson Reuters, U.S, 9th edition.
12. Goodwin, David B. (1981), "Protecting the Buyer of Used Products: Is Strict Liability for Commercial Sellers Desirable", *Stanford Law Review*, Vol. 33, Issue 3.
13. Hahn, Paul W. (1985), "Consumer Protection: Should It Mandate Extension of Section 402A to Used Products Dealers", *Missouri Law Review*, Vol. 50, Issue 1.
14. Highland, Gary J. (1979), "Sales of Defective Used Products: Should Strict Liability Apply", *Southern California Law Review*, Vol. 52, Issue 3.
15. Humes, William L. (1991), "The Application of Strict Liability in Tort to the Retailers of Used Products: A Proposal", *Oklahoma City University Law Review*, Vol. 16, Issue 2.

- 16.Kats, James S. (1983), "Used Products and Strict Liability: Where Public Safety and Caveat Emptor Intersect", *California Western Law Review*, Vol. 19, Issue 2.
- 17.Kyle, Graham (2014), "Strict Products Liability at 50: Four Histories", *Marquette Law Review*, Vol. 98, Issue 2.
- 18.Maloney, James P. (1974), "What Is or Is Not a Product within the Meaning of Section 402A", *Marquette Law Review*, Vol. 57, Issue 4.
- 19.*Restatement of the Law: Second Torts* (1965), The American Law Institute, Washington D.C., 2d, Vol. 2.
- 20.Senagore, Antonio J. (2010), "The Benefits of Limiting Strict Liability for Used-Product Sellers", *Northern Illinois University Law Review*, Vol. 30, Issue 2.
- 21.Shapo, Marshall S. (2017), *Shapo on The Law of Products Liability*, Edward Elgar Publishing, Inc., UK & USA, 7th Edition.
- 22.Smith, Debra A.(1982), "The history of strict liability tort in Indiana", *thesis in Ball state university*.
- 23.Vandall, Frank J. (2011), *A history of civil litigation: political and economic perspectives*, Oxford University Press.
- 24.Wendell Holmes, Oliver (1881), *The Common Law*, Kosovo Classics.